

اسر در رفت - مترادف لغت معجم دو معنی حقیق است

اسر - حیرت - تسلی - خارنه - اور

اسر - صیب ، فرمان و دستور - او اسر

در اصطلاح

است -

اسر (اسیر کنند)

باید در اراها نظام

صلاحت و در بند

که طلب عالی از دانش

تفاهات تفاهات بیان

از حالها به دانش - اسر

از دانش به علم - اسر کار در

که بر سر - تفاهات و فوا من

که اسر کار نام - اسر قانون

اسر - ما مو - معنی

که صاحب به تلف کلمه

اسم امر - با ماده کرار - سه حرف اصل اسم را بر سر

صفت / صفت

افعل

۱. ان بن اس بن

است عالم شرم مردم را از تن او را

ساز

حد ۱ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰

عصمت بود

امر - صفت - حقیقی - التزام و دیر -

ل - مجاز -
سحب رضدرب که بیان به مکرر دارد

ل - در آقا نوشته اند از هم سر ما را . ا . ا . ا . ا .

سپس

آسام جمله - خبری - چه اسی به اقصیٰ ل صدق و نذب در آن کارور

سکن است راست بشد یاد و نوع چند

انسان

له هو اسر است

چه در است به اقصیٰ ل صدق و نذب بشد در - من اسر است

کو باید نفعه خبرت را بر هر چه

منه بر دو نوع است رسمی، ظاهری - خبری انسان

ظاهر عبارت - خبری - در مقام انشا در ضمن معنای

صواری فانوسی - خبر در مقام انشا ← انشا یا خبر مستوری

محوار روی، در فائز شرح داریم

۱- اسر

۲- مضمون حقیقی اسر — وجود التزام

۳- خبر رسکوری

۴- خبر در تمام اشعار

۵- خبر صفتی معنای اشعار

۱- کوز باید نفعه عمرت را سردا زس . (اینجا به
لـ انا - سخن برآید ه

۲- تو نفعه عمرت را پرفس . - میگز - عمل قصص

همرد در تمام اشاء موند تر لا آند است

~~سخن برآید~~

یا ان در بعض ه - فرد در آ انشا در است
آند است

محرور دوم باب - اولهبر - ماهیت صم و تقیبات آن

صم - مقرر است که فوئتر برای سامان بخشیدن رزندن سیرک در نظر گرفته

است

تقیبات - احصاء - بولوی / ارشادی

انضام / رتاسی

واقعی / فاسری

واقعی اولی / ثانوی

تطبیقی / وضعی

